

مجموعه از عاطفه و تربیت

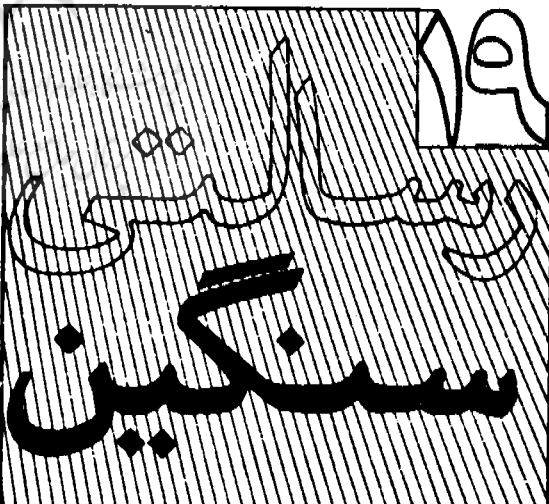
* معلم باید از آشکار کردن و تصریح به تخلف شاگرد خودداری نماید و همواره از عامل لطف و محبت و مهر و مودت برای ارشاد شاگردان استفاده کند.

بیآنچه که به دل و جانها اثر میگذارد تا لایف عاطفه و تربیت با یکدیگر است.

* موفقیت در کار معلمی تنها در انحصار علم و دانش نیست بلکه نیازمند درک و شناخت موقعیتهاست.

شناخت و درک موقعیت

بدون تردید معلم بودن و بسرکلاس رفتن کار آسانی نیست هزار نکته باریکتر از مو درش وجود دارد. بعضیها از مادر معلم متولد میشوند یعنی بگفته حافظ :
نگار من که بمکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه های مساله آموز صد مدرس شد
بیش از آنکس فووت و فن
معلمی را بیاموزند بطور فشرده همه
خصوصیات یک معلم نمونه را دارا میباشند



مجید رشید پور

اینگونه معلمان دریافته‌اند که موفقیت در کار معلمی تنها در انحصار علم و دانش نیست بلکه نیازمند درک و شناخت موقعیت‌هاست یعنی معلم اول جو کلاس را در نظر گرفته سپس روابط آموزشی و پرورشی خود را برقرار می‌سازد، معلمی همانند صعود بقله‌است این کوهنورد است که با درایت و بینش خود برنامه حرکت و سکون و سرعت و کندی سیرش را تنظیم مینماید.

روی این اصل معلمی کار سهل و ساده‌ای نیست هر لحظه احتمال بروز حادثی در کلاس داده میشود بعنوان مثال ممکن است شاگردی تکلیف انجام نداده باشد و باز ممکن است شاگردی بی انضباطی نموده باشد و دانش آموزی گستاخانه عملی را انجام داده باشد بدیهی است برای حل این نوع مسائل و غیره بیش از همه باید روش معلم مشخص و معلوم باشد تا هر معلمی با الهام از آن طرح کلی و ابتکارات شخصی بحل مشکلات موفق گردد.

تفاهم بجای تقابل

رابطه کلی معلم و شاگرد بر اصل تفاهم استوار است. در عین اینکه معلم از هیبت و ابهت خاصی برخوردار است ولی هیچگاه بعنوان تقابل در برابر شاگرد ایستادگی نمیکند زیرا اینکار ارزشمندی او را بیاد خواهد داد.

مرحوم شهید ثانی در کتاب منبه‌المیرید

چنین میگوید: معلم باید از آشکار کردن و تصریح به تخلف شاگرد خودداری نماید و همواره از عامل لطف و محبت و مهر و مودت برای ارشاد شاگردان استفاده کند و آنان را بخاطر تخلف و سوء رفتار توبیخ ننماید چون اولاً "تصریح و آشکار گوئی پرده هیبت و ابهت معلم را از هم دریده و موجب جرأت و جسارت شاگردان در ارتکاب خلاف و سوء رفتار میگردد ضمناً پوشیده نماید جدی بودن معلم و حفظ وقار مانع از این نیست که پاکدل و خوشگو باشد و با شاگردان خود مطابق مقتضیات مزاج نماید ولی نباید مزاح را دأب و عادت خود قرار داده از حد معتدل آن تجاوز کند زیرا اگر مزاح از حد تجاوز نماید باعث جرأت و جسارت شاگردان نسبت به معلم گشته و احترام او را در معرض خطر قرار میدهد. بنابراین معلم در طول مدت معلمی همیشه نقش یک راهنما و سربی را دارا است چنانچه پیامبران عظام همیشه نقش یک راهنما را دارا بودند و باطمانینه و وقاری که داشتند مشکلات را حل و فصل میکردند انبیاء در برابر ستمگری و ظلمها ایستادگی میکردند ولی در برابر انسان ها به مقابله و تقابل نمی ایستادند بلکه همیشه راهنمای آنان بودند حتی به گناهکاران و خطا کاران نیز امید و نشاط میدادند و اگر فردی بر اساس جهل و نادانی رفتاری

بدآموزداشت با تحمل و بردباری آنان را پذیراشده باعکسالعمل‌های مطلوب و در عین حال آموزنده و سازنده نه‌کوبنده و تحقیرکننده آنان را باصول انسانی راهنمایی میکردند بدون اینکه گرفتار هیجان و عصبانیت گردند .

ترکیب عاطفه و تربیت

امام جعفر صادق علیه السلام غلامی داشت که روزی او را برای انجام کاری فرستاد غلام در آمدن تاء‌خبرکرد آنحضرت در مسیر غلام بحرکت درآمده او را درکناری خفته یافت آنحضرت در کنارش نشسته مشغول باد زدن بان غلام شد وقتی بیدار گشت حضرت بدون اینکه دچار هیجان شده باشد بآرامی چنین فرمود: فرصتهائی که در شبانه روز برای تو وجود دارد تو میتوانی به نیازمندیهای خود قیام نمائی و باید بدانی برخی از اوقات تو بعنوان حقوق در اختیار دیگران است. بادقت درمضمون این روایت بدست میآید که امام علیه السلام در عین اینکه او را در دریای بیکران عاطفه و مهرخود غرقه ساخت ولی از راهنمایی و تربیت او نیز خودداری ننمود. بدیهی است آنچه که بدل و جان‌ها اثر می‌گذارد تاء‌لیف عاطفه و تربیت با یکدیگراست و متاسفانه در مواردی دیده میشود که معلمان

هیجان را با تربیت معجون میسازند، و همین ترکیب غلط است که بجای جذب دفع نتیجه میدهد، برخی از معلمان نمیدانند که بزرگترین سلاحی که بهمراه خود می‌توانند داشته باشند عبارت از وقار و ابهت است که در پرتوآن بسیاری از مشکلات در نطفه خفه میشوند و مجال ظهور و بروز پیدانمی‌کنند، ضمناً " نباید فراموش کرد که شاگردان کلاس همیشه تلاش می‌کنند سکون و آرامش معلم را از او گرفته او را بهیجان و عصبانیت دچار گردانند، باتوجه باین مقدمات معلوم میشود هرگاه معلمی بهیجان درآمده‌باشد بناتوانی و زبونی خود ضمناً" اقرار و اعتراف کرده‌است. بتجربه ثابت شده که برخی از معلمان ورزیده در طول سی سال معلمی یکبارهم بهیجان در نیامده و بعواقب و نلیات آن گرفتار نگشته اند و حال آنکه گاه دیده میشود که معلم و آموزگاری دائماً " در حال هیجان و آشفتگی بسر میبرد. ضمناً" باید توجه داشت که در مواقع هیجان گاه ممکن است معلم بیگناهی را گناهکار تشخیص داده او را تنبیه نماید. فراموش نمیکنم که او معلم شیمی بود سابقه فراوانی در تدریس شیمی داشت ولسی هیجانی‌بود یکبار بر اثر هیجان شدید شاگردبی گناهی را شدیداً" تنبیه کرده‌بود وپس از لحظهای دریافته بود که او مقصر

نبوده دانش آموز بغل دستی‌اش تقصیر داشته‌است.

از این گذشته در موارد هیجانی ممکن‌است معلم عامل بروز شکستگی‌های عضوی و پاره شدن پرده گوش دانش‌آموز و امثال آن گردد. ضمناً نباید فراموش کرد که ضرر و زیانی که از این رهگذر عاید خود

معلم میگردد قابل مقایسه با صدمه و زیانی که بشاگرد زده‌است نمیباشد در خاتمه، ما معلمان و مربیان بجای تندی و هیجان باید بکوشیم با معجونی از عاطفه و تربیت فرزندان عزیز و امانت‌های الهی را پرورش دهیم.

